

گزارش‌های
چهارمین مجمع سالانه
کاوش‌ها و پژوهش‌های باستانشناسی
در ایران

دوازدهم تا هفدهم آبان ماه ۲۵۳۴

زیر نظر
فیروز باقرزاده

از انتشارات
مرکز باستانشناسی ایران
تهران ۲۵۳۵

پیگردی در مسجد جامع ساوه

سید محمود موسوی

مقدمه

همکاری سودمند و سازنده مرکز باستانشناسی ایران و سازمان ملی حفاظت آثار باستانی و بناهای تاریخی ایران منجر به انجام یک فصل کاوش و پیگردی بمنظور آماده ساختن و شناسایی بنا جهت کارهای مرمتی در مسجد جامع ساوه گردید که کلیات نتایج این کاوش ضمن این مقاله تشریح میگردد. مسجد جامع ساوه فقط در سالهای اخیر مورد توجه سازمانهای مسئول و باستانشناسان و معماران قرار گرفت و متأسفانه تا قبل از آن با همه خرابیها و زیانهای که باگذشت قرنهای آن وارد شده بود، بصورت یک مسجد تقریباً "گمنام و متروک بحیات و موجودیت خود ادامه میداد در سال ۱۳۴۸ اداره کل باستانشناسی سابق مصمم گردید تا حریم قطعی و تاریخی این بنا را که دستخوش تصرف و دست اندازیهاده بود مشخص سازد و بهمین منظور و ضمناً "انجام مساهلی و نقشه برداری های لازم نگارنده در راس هیاتی به ساوه عزیمت و اقدام به گمانه زنی و بررسیهای مقدماتی نمود. در خلال بررسیهای مقدماتی مشخص گردید که نه تنها مسجد نیاز مبرم به حفاظت و مرمت دارد بلکه باید نسبت به ضمیمه نمودن اراضی از دست رفته به مسجد اقدام فوری بعمل آورد. آنگاه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی و بناهای تاریخی ایران با کمک گرفتن از کارشناس ایتالیائی تامپونی Tamponi اقدام به نقشه برداری مجدد و سپس آغاز کارهای مقدماتی مرمت و حفاظت نمود مجموع این اقدامات دوباره نظر ها را باین بنا منعطف ساخت باشد این شاهکار مسلم معماری اسلامی ایران در آینده مقام و ارزش واقعی از دست رفته را بازیابد.

مسجد جامع ساوه با همه عظمت و اهمیت خاصی که دارد در زمره آن گروه از بناهای نادر و آشنائی تاریخی است که حتی با داشتن جنبه های ارزنده از دیدگاه معماری و باستانشناسی، کمتر مورد اقبال و توجه صاحب نظران قرار گرفته و تا سالهای اخیر که بهر ترتیب مورد عنایت باستانشناسان و معماران قرار گرفت و نظر مقامات مسئول به تعمیر و حفاظت آن معطوف گردید تا به اجرای پاره ای طرحهای کاوش و مرمت در آن همت گمارند، نا آشنا و مهجور در گوشه ای از این سرزمین بزرگ بزمحت بحیات خویش ادامه میداد و بعد از آنهمه رونق و آبادانی و پشت سرگذاشتن و تحمل آن همه فشار و ضرر و زیان که دست تطاول روزگار، بصورت زلزله ها و بارانها و سیل ها بدان وارد میساخت، هنوز استوار و پایرجا بود و تک منار سلجوقیش راهنمای مسافران خسته و تشنه لبی که راه کویر در پیش داشتند و یا از پهنه عظیم کویر مرکزی، از بیابانهای خشک و تفته روی بدان می نهادند و در رواقهای تاریک و خنک آن ساعتی پناهی می جستند و یادبودی، یادگاری و نقش نامی بر در و دیوار آن می نوشته و میرفتند (۱) یجرات میتوان ادعا کرد که این مسجد نه تنها یکی از شاهکارهای معماری اسلامی بلکه جنگ ارزنده ای از سبکهای مختلف معماری ایران در دوره ممتد و طولانی است. اگر به قطعیت و صراحتی که برخی در مورد ساسانی بودن اساس آن دارند در حال حاضر نتوانیم آنرا معبد تغییر شکل یافته ساسانی به مسجد اسلامی بدانیم اما اشاراتی و نمونه ها و اجزائی در گوشه و کنار آن وجود دارد که سابقه تاریخی آنرا بزمانهای بسیار دوری میرساند و این مسجد را در شمار تعداد انگشت شمار اسلامی ایران قرار میدهد که بر اساس چهار طاقیها بنیاد گرفته اند و تغییر شکل داده و توسعه یافته اند. گذشته از همه این سجایا و محاسن مسجد جامع ساوه تلفیقی است از مکاتب مختلف معماری مذهبی اسلامی ایران. تلفیقی است از پلانهای مساجد اولیه اسلامی و مساجد ایوان دار. هم حال و هوای تاریخانه دامغان را دارد و هم خصوصیات مسجد جامع اصفهان و قزوین و یزد را خلاصه برای مطالعه صاحب نظران و کارشناسان و حتی دانشجویان معماری و باستانشناسی نمونه ایست متنوع و ارزنده که از صدر اسلام تا دوره قاجار و دوره های اخیر ردپائی، اثرونشانی

(۱) - نوشتن یادگار و یادبود بر در و دیوارها و یا کندن نام بر درختها از قدیم برای ایرانیان مفهوم خاصی دارد. در برخی بناهای تاریخی مانند کاخ زمستانی داریوش (تچرا) در تخت جمشید، بقعه شیخ جام، بقعه شیخ شمس الدین تایبادی، و مسجد جامع ساوه این یادگارها چنان ارزنده است که میتوان با تحقیق و استنتاج آنها به برخی از رویدادهای تاریخی نیز دست یافت. البته کاریست که مستلزم داشتن حوصله و شوق فراوان است.

قرار نگرفته و مطلب چشم گیر و درخور اهمیتی درباره آن بقلم نرفته است . باستانشناسان و معماران در گذشته اگر هم گذری به شهر کوچک و قدیمی ساوه داشته اند به گرفتن چند عکس از این اثر و یا نگاهی از سیرسی بسنده کرده و ساوه و مسجد جامعش را گذاشته و گذشته اند ، چرا که ساوه راه به اصفهان دارد و جاذبه بناهای اسلامی اصفهان چنانست که جز مجالی کوتاه و فرصتی اندک برای دیدار ساوه و آثارش باقی نمیگذارد . شاید این یک دلیل قانع کننده باشد برای کسیکه مطلبی در مورد مسجد جامع ساوه می جوید و نمی یابد ؟ از اینرو و بدلائل دیگر اکثر کتابها و آثاریکه در زمینه معماری و باستانشناسی اسلامی ایران از نویسندگان خودمانی و خارجی بر قلم رفته و برجای مانده است مطلب چندان چشم گیری که عطش داغ جوینده تشنه کام را فرو نشاند نمیتوان سراغ گرفت (۲). بنابراین کسیکه باین بنای ارزنده دل بندد و علاقمند به تحقیق در این مورد باشد باید از تمامی نوشته ها چشم پوشد و با مطالعه خود بنا به نتایج تحقیقی و علمی برسد . بنابراین صاحب این قلم نیز با نتایج بدست آمده از یک فصل کاوش دنبال نشده ، مدعی شناسائی دقیق و جامع در این باره نیست ، اما کاوشهای انجام شده نتایج ارزنده و مفیدی در برداشت که امید است اولین قدم در مورد کاری تازه بحساب آید ، کاری بزرگ که البته مستلزم عرق ریزی و حوصله و دقت و کنجکاوی در زوایای بنا و لایه های مرئی و یا پنهان مانده آن است .

مسجد جامع ساوه که در منتهی الیه جنوبی شهر ساوه و مجاور خندق قدیمی و برج و باروهای برجای مانده از حصار قدیم شهر واقع شده بخلاف مساجد جامع شهرهای دیگر که در متن شهرها و در جوار دیگر مجموعه ها قرار گرفته اند ، تنها و مجرد مانده و از دیگر اجزاء شهری جدا افتاده و این خصوصیت را در آغاز نیز داشته و نمیتوان تصور نمود که این فاصله چند صد متری بین مسجد و شهر بعد ها و در اثر ویران شدن بناهای مجاور ایجاد گردیده باشد . این یکی از خصوصیتها و وجه تمایزهای این مسجد با دیگر مساجد ایران است که نمیدانیم چرا و چگونه باین غربت و تنهایی تن در داده است . (مقدسی) نیز ضمن توصیف آن ، از مسجد جامع ساوه بعنوان بنائی در کنار جاده و دور از بازار و شهر یاد می کند .

(۲) - پروفیسور آنده گدار که در شمار بهترین محققین آثار اسلامی ایران است ، در کتاب با ارزش خود بنام (آثار ایران) و نیز در کتاب (هنر ایران) اشاراتی مجمل در مورد مسجد جامع ساوه دارد که در مقایسه با دیگر بناهایی که مورد تحقیق او قرار گرفته اند ، قلم اندازی بیش نیست ، پروفیسور (پوپ) نیز در کتاب هنر ایران مقاله ای به قلم زنش خانم (آکرمن) در مورد این مسجد عرضه میکند که بیشتر به آثار صفوی (دوره قشری و مرئی مسجد) پرداخته و بررسی در مورد دوره های قدیم تر و عمقی تر را به بوته اجمال سپرده است . عجیب تر آنکه محقق ارجمند آقای سید محمد تقی مصطفوی با آنکه عاشقانه به بررسی بناهای اسلامی علی الخصوص مساجد و تکایا پرداخته و عمر خود را بر سر اینکار گذارده است ، در کتاب اجمالی خود بنام (معماری ایران) ولو به ذکر نامی ، از این مسجد یاد نکرده اند و بهمین ترتیب در دیگر منابع در زمینه معماری اسلامی مطلب و مآخذی در این مورد نمیتوان یافت .

از همین جاست که دهها سؤال و پرسش در برابر کاوشگر مطرح میشود که پاسخ یافتن به پاره ای یا تمامی آنها در حال حاضر و بدون انجام کاوشهای اساسی غیرممکن است .

مورخان و جغرافی نویسان اسلامی که برخی از آنها دوره های رونق و آبادانی این مسجد را دیده و یا وصف آنرا از زبان دیگران شنیده اند ، نیز مطالب و شواهد چندان معتبر و گویائی برای ما باقی نگذاشته اند تا بتوان باستناد آنها در جستجو و تحقیق راه بجائی برد و آنچه از این دست باقی مانده جز روایاتی غیرمستند و مجمل بیش نیست که متأسفانه گاهی به لفاظی و عبارت پردازی بیشتر می ماند تا یک سند قابل رجوع تاریخی . در برخی از متون جغرافیائی و تاریخی در مورد شهر ساوه سخن رفته و از اهمیت و اعتبار مسجد جامع آن یاد کرده اند ، این اشارات گاهی نه تنها سودمند نیست بلکه موجب گمراهی کاوشگر نیز میگردد . چنانکه هیات کاوشهای مسجد جامع ساوه خود با یک شاهد عینی از این قبیل روبرو بود . به روایت (لسترنج) در کتاب سرزمینهای خلافت شرقی مورخین و جغرافی نویسانی از جمله : (حمدالله مستوفی) و (یاقوت) صحبت از وجود بزرگترین کتابخانه های دنیا در این مسجد کرده اند که باستناد قول آنها این کتابخانه در میانه صحن مسجد قرار داشته و سپس گویا در هجوم و ایلغار مغول به آتش کشیده شده است . مسلماً "از این کتابخانه هر قدر هم که آتش سوزی آن شدید بوده و منهدم شده باشد میباید اثری ، پی دیواری و یا رد و نشانی و لو مدفون در کف فعلی صحن موجود باشد ، این حدس ما را بر آن داشت تا به گمانه زنی در محلهائی که اشاره رفته مبادرت ورزیم اما جز لایه های شنی به کمترین اثری که قول مذکور را تأیید نماید دست نیافتیم .

برای شناخت بهتر مسجد جامع سانه میباید آنرا در مقایسه با مجموعه شهری ساوه (بافت قدیم شهر) مورد شناسائی قرار داد ، و آنگاه شاید بتوان دلیلی برای موقعیت خاص آن در حدنهائی بخش جنوبی شهر باز جست و شمائی از وضع بنای اصلی و رابطه آن با بناهای فرعی وابسته را که اینک در زیر باغهای انار و اراضی زراعتی فقط شالوده دیوارها و کف های آنها باقی مانده در ذهن مجسم ساخت .

(۳) بافت قدیمی شهر ساوه که خوشبختانه نسبت بدیگر شهرها اصیل تر و دست نخورده تر باقی مانده ، شامل بخشهای جنوبی و جنوب شرقی شهر فعلی بوده و هسته مرکزی از بازار و مسجد میدان و آب انبار های کوچک و بزرگ حوالی مسجد میدان آغاز و بعد در امتداد خیابان فعلی که مسجد میدان را به مسجد جامع ساوه پیوند میدهد ، با چهار سوق قدیمی که تنها نماینده از یک مجموعه ویران شده تجارتنی قدیم است رابطه پیدا میکند و آنگاه بسوی مسجد جامع و خندق و برج و باروهای قدیمی شهر امتداد یافته و بعد از دور زدن بسوی راست به امامزاده سید بشیر و امامزاده سید اسماعیل منتهی میشود . اگر این گردش در امتداد غربی مسجد جامع باشد ،

(۳) - گرچه ساوه نیز چون دیگر شهرهای قدیمی ایران از دستبرد پدیده های قرن ماشین در امان نمانده و با ساختن یک درمانگاه ناموزون در بخش قدیمی شهر آغاز به دست اندازی به آن کرده اند اما هنوز میتوان این شهر و بافت قدیم آنرا از عوارض نوسازیهای بی حساب و معماری بی هویت نجات بخشید .

راست به امامزاده سید بشیر و امامزاده سید اسماعیل منتهی میشود، اگر این گردش در امتداد غربی مسجد جامع باشد، تپه ها و بقایای اماکن مسکونی ویران شده، حدیک شهر پر رونق و قدیمی را مشخص میسازند. قابل ذکر است که بهترین سفالهای مینائی منتسب به ساوه از همین تپه ماهورهای به تاراج رفته جنوب غربی مسجد بدست آمده اند.

گذشته از این سابقه تاریخی شهر ساوه و اینکه از قدیم الایام بر سر شاهراه مرکز به غرب ایران قرار داشته و چون دروازه غرب ایران محسوب میشده، دال بر رونق و شکوه آن در دوره های مختلف بوده است. اما هیچکدام از محققین و جغرافی نویسان از دوره های قبل از اسلام آن سخنی نرانده اند و همه اشارات درباره ساوه عهد اسلامی است. اما میتوان در ادوار قدیمتر ساوه را شهر کوچکی وابسته به ری قدیم دانست بنابراین کاوشهای وسیعتر احتمالاً "آثاری از دوره های پیش از اسلام را مشخص خواهد ساخت که اینک ردپای معماری ساسانی را در مسجد جامع ساوه و برخی از زوایای آن بوضوح میتوان باز شناخت. در دوره های اسلامی ساوه بدقبال ترین شهر ایران بوده گذشته از زلزله های متعدد که در آن اتفاق افتاده، حمله مغول آنرا بکلی درهم کوبیده و آنگاه جنگهای ممتد مذهبی و قبیله ای که مابین اهالی ساوه و شهر محاور آن آوه روی داده و سالهای (۴) سال بدرازا انجامیده در عقب افتادگی و خرابی شهر سخت موثر واقع شده چنانکه این شهر بعد از چند دوره آبادانی چنان گرفتار زوال گردید که دیگر نتوانست قد علم کند و عقب افتادگی آن تا زمان ما نیز ادامه یافت.

در این مجموعه شهری که بیان شد مسجد میدان با منار تاریخ دار خود در مرکز شهر قرار می گرفته ولی مسجد جامع از شهر فاصله داشته و یا در قسمت نهائی شهر در کنار خندق قرار می گرفته و احتمالاً "خیابانی که از کنار مسجد گذشته و خندق را قطع می نماید در گذشته دور نیز معبری بوده تا مومنانی که نماز خود را در مسجد گذارده بودند به آبادیهای اطراف راه برد.

بدرستی نمیدانیم آیا مسجد میدان قدیمتر است یا مسجد جامع زیرا که اکثر بخشهای مسجد میدان در سالهای بعد از دوره صفوی دستخوش دگرگونیهای شده و آنچه از این مسجد موجود است منار تاریخ دار سلجوقی و شبستان و ایوان سلجوقی، صفوی است که هر کدام از این اجزاء در حد خود شاهکارهایی هستند بی مانند ولی ما را به کلیت مسجد سلجوقی راهنمایی نمیکند. بخش سلجوقی این مسجد همان سرنوشت دوره سلجوقی مسجد جامع را پیدا کرده است زیرا تنها مناره سلجوقی را حفظ کرده اند ولی اساس مسجد سلجوقی در دوره های بعد مخصوصاً "دوره ایلخانی و صفوی دستخوش تغییرات زیادی شده است. مناره سلجوقی مسجد میدان ساوه

(۴) - سالهای سال مابین شهرنشینان ساوه که پیرو مذهب تسنن بودند و دیانت (شافعی) داشتند

و ساکنین آبادیهای شیعی مخصوصاً "شیعیان آوه، جنگ و نزاع جریان داشته و بدرازا کشیده است و این جنگهای مذهبی لطمه زیادی به ساوه و نیز شهر آوه که اینک بصورت دهی در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی ساوه قرار دارد و تپه بزرگ باستانی آن از شهرت خاصی بدلیل سفالهای مینائی اسلامی که از آنجا بدست آمده برخوردار است، وارد ساخت و این منازعات شهری چون آوه یا بقول (یا قوت) آبه را به قریه کوچکی مبدل نمود و ساوه را نیز نگذاشت تا رونق و مجد دیرین خود را بازیابد.

(۵) در زمره قدیمترین مناره های تاریخ دار اسلامی است یعنی اگر بدلیل وجود مناره سلطان محمود غزنوی در غزنه که بین سالهای ۳۸۸ و ۴۱۲ هجری بنا گردیده، این منار را قدیمتر ندانیم بی شک یکی از قدیمترهاست. کتیبه کوفی آجری آن تاریخ ۴۵۳ هجری را دارد. میدانیم که مناره های مساجد ایران از آغاز تا اواسط قرن پنجم اکثراً "استوانه ای شکل و ساده و منفرد بوده اند. گاهی متصل به بنا مانند مسجد جامع نائین و مسجد میدان ساوه و گاهی با فاصله از بنا چون مسجد جامع گلپایگان و مسجد جامع ساوه و تاریخانه دامغان. بنابراین دو مناره موجود در ساوه اگر کاملاً "همزمان نباشند یقیناً "بفاصله کمی از هم ساخته شده اند. مناره مسجد جامع ساوه یکی از زیباترین تک مناره های دوره سلجوقی است که استوانه ای شکل بنا شده ۴/۵ متر ارتفاع دارد، ضمن گمانه زنیهای اولیه که توسط معمار ایتالیائی Tamponi^(۶) در پای این منار انجام شد معلوم گردید که این منار تا ۳ متر ریشه در زمین دارد این منار که قسمتی از آن مجوف است در ارتفاع ۲ متری مدخلی دارد که تا بخش فوقانی مسطح راه میرد. در مورد این منار نیز پرسشهایی وجود دارد که تاکنون بی جواب مانده در بخش شمالی منار زائده ایست که در حله اول بنظر میرسد بر اثر تعمیرات جدید بوجود آمده است. ولی میتوان فرض نمود که شاید در ابتدا شکل و فرم منار جز این بوده که اکنون بنظر میرسد. دیگر اینکه چرا مدخل منار را تا ارتفاع ۲ متری بالا برده اند آیا دلیل حفاظتی و امنیتی در دوره های نا امنی و نا آرامی روزگاران پیش بر آن متصور است یا دلیل معماری و منطق حجمی دارد. بهر حال در این قسمت یعنی جبهه شمالی و غربی و در مجاورت مناره، مسجد دستخوش دگرگونیهای زیادی گردیده و مقداری از عناصر اصلی آن پس از ویرانی و دخل و تصرف افراد در حال حاضر بصورت انارستان (عباس شوقی)، نمای مسجد را کور کرده است.^(۷) دیوار ناموزون

(۵) - بهترین تحقیقی که در مورد دو مناره سلجوقی ساوه بعمل آمده توسط GEORGE C. MILES

صورت گرفته او حاصل مطالعات خود را در کتابی بنام : INSCRIPTIONS ON THE

MINARETS OF SAWEH در سال ۱۹۶۵ بچاپ رسانده است.

(۶) - این شخص اولین کسی است که قبل از آنکه تعمیرات مسجد جامع ساوه با همکاری دانشگاه ملی

و سازمان ملی حفاظت آثار باستانی و بناهای تاریخی ایران آغاز شود نسبت به مساحی و نقشه برداری

مسجد اقدام نمود و کار او در این مورد که نگارنده شخصاً "در آن زمان جهت گمانه زنی بمنظور تعیین

حریم در ساوه بود و از نزدیک با کار او آشنائی پیدا کرد ارج و اهمیت بسیار دارد.

(۷) - دخل و تصرف در اطراف مسجد جامع ساوه آنقدر زیاد است و چنان به اراضی اطراف آن البته

باتوافق اشخاص ذی نفوذ و مقامات محلی دست اندازی کرده اند که تا پشت دیوار خارجی شبستان

زیرگنبد تا همین چند سال قبل زراعت و کشت میکردند. وقتی در سال ۱۳۴۸ و قبل از آغاز کارهای

مرمتی بصورت هیأتی جهت تعیین حریم قطعی مسجد رفتیم، آگاهی یافتیم که مسجد حتی یک

وجب در محوطه بیرونی عرصه و زمینی ندارد و همه متعلق به افراد است و اشخاص متعددی

مدعی مالکیت این اراضی هستند و احتمالاً "گاهی یک قطعه زمین دو مالک بادوسند یا بنچاق

ثبتي دارد نمیدانم آیا نسبت به خرید این زمینها و بازپس دادن آنها به مسجد اقدامی معمول

گردیده یا خیر؟ گویا سازمان ملی حفاظت آثار باستانی و بناهای تاریخی ایران در صد خرید این

اراضی و الحاق مجدد آنها به مسجد برآمده و قدم اول خرید انارستان شوقی است که آثار رواقهای

شمالی مسجد در داخل آن مدفون است.

و بد منظر شمالی یک دیوار با سمه ای است که در اواخر دوره قاجار و اوائل عصر پهلوی که رواقهای جبهه شمالی ویران شده و مسجد فاقد دیوار حفاظی بوده از آجرهای ریخته بنا ساخته شده است، گمانه زنیهای مادر کوچه حدفاصل مسجد و انارستان شوقی در جبهه شمالی منجر به کشف محراب نماهای سلجوقی و روزنه ها و مدخلها با طاق جناقی گردید که ادامه مسجد سلجوقی است که بخش عمده آن در خاکبرداریهای سالهای اخیر در جبهه شمال شرقی بدست آمده و تا زیر انارستان امتداد می یابند، ضمن گمانه زنی در انارستان شوقی صحت این مدعا به ثبوت رسید، بنابراین برای یافتن بافت مسجد سلجوقی تمام این بخش باید خاکبرداری شود و مورد بررسی و کاوش قرار گیرد، بافت مغولی در جبهه غربی متمرکز شده و این بافت شامل ایوان بلند غربی و اجزاء آنست، ضمن گمانه زنی در اراضی غربی بیرون مسجد یک سکه مسی با نام (سلطان محمد خدا بنده الجایتو) بانی گنبد سلطانی بدست آمد که در تاریخ گذاری آثار مغولی مسجد ما را یاری میدهد و وجود دو ایوان رفیع غربی دوره مغول و ایوان جنوبی که کتیبه صفوی دوره شاه عباس صفوی را دارد خود معضلی است که پاسخ بدان احتیاج به مطالعه و بررسی کامل دارد.

در تقسیم بندی که برای مساجد ایران کرده اند گرچه یک تقسیم بندی کاملاً علمی نیست اما مساجد اولیه عموماً "پلان مساجد صدر اسلام و سبک عربی Arabesque را دارند یعنی صحن مرکزی و رواقهای دورادور که در بخش جنوبی و سمت قبله رواقها ححیم تر و عمیق تر است، بنای این نوع مساجد تابع همان کلیت فلسفه و جهان بینی اسلامی است که هیچ پیرایه ای را در بنای مساجد نمی پذیرد و مسجد را صرفاً "محلی برای نیایش خدا و میعادگاه بنده با خدای خودش میداند، پلان مساجد طرح اولیه طبق تعریف آقای کریستی ویلسن عبارتست از یک صحن یا حیاط مستطیل شکل که یک سلسله رواقهای ستون دار در اطراف دارد و بنا به شرایط اقلیمی جزیره العرب که یک منطقه گرمسیری است رواقها فاقد در و پیکرند و برای جدا ساختن آنها از صحن در برخی جاها از پرده استفاده میشده است، در ایران بهترین و کاملترین نمونه برای مساجد پلان عربی مسجد تاریخانه دامغان است.

دیگر مساجد ایوان دار یا مساجد طرح ایرانی است که ایرانیان در دوره های اسلامی ایوان را از معماری ساسانی اقتباس کرده و این عنصر ساسانی را در بنای مساجد بکار برده اند، مانند مسجد یک ایوانی نیریز و مساجد دو ایوانی فریومد و گناباد و مساجد چهار ایوانی جامع اصفهان و زواره، مسجد چهار ایوانی بقول دونالد ویلبر بنای استاندارد و واحد معماری ایرانی است، مسجد جامع ساوه تلفیقی است از پلان طرح اولیه و پلان مساجد ایوان دار، ایوانها با برش رواقهای غربی و جنوبی احداث شده اند و عظمت آنها با سادگی رواقها یک تضاد چشم گیر دارد، هنوز مشخص نیست که این دو ایوان که هیچ قرینه سازی (سنت معماری اسلامی ایران) در ساختمان آنها رعایت نشده در یک زمان بوجود آمده اند یا با فاصله ۳ قرن نمونه های گویایی از ایوان سبک ایلخانی و صفوی هستند گرچه ایوان جنوبی تزئینات صفوی دارد و کتیبه آن ۱۰۶۲ ذکر شده اما بعید نیست که این ایوان نیز همزمان با ایوان غربی بنا شده باشد و سپس در دوره صفوی به تزئین

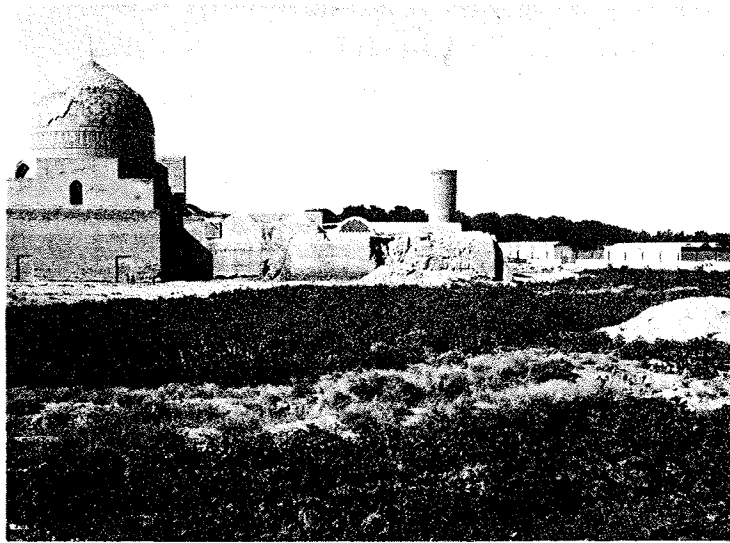
و کتیبه نگاری آن اقدام کرده اند.^(۸) باز سؤالاتی طرح میشود آیا این مسجد در اصل مسجد پلان عربی بوده که بر اساس توسعه و دگرگونی یک چهارطاقی ساسانی بوجود آمده و بعد در دوره های بعدی خواسته اند آنرا در ردیف مساجد ۴ ایوانی در آورده و دو ایوان در آن احداث کرده اند ولی بدلایلی ساختمان دو ایوان دیگر به مرحله عمل در نیامده است . اگر قرار بوده مسجد در اصل دو ایوانی باشد ایوانها میبایست روبروی هم و قرینه سازی شده باشند . طاقهای حد فاصل رواقها در جبهه شرقی برخی یادآور طاقهای هلالی دوره ساسانی است و یادآور طاقهای قصر فیروز آباد و دیگر بناهای ساسانی است . گمانه زنیهای مابعدلیل نیازی که مرمت گران برای بازشناسی جبهه جنوبی و جنوب شرقی مسجد داشتند در این بخش متمرکز بود . در رواقهای جنوبی سه دوره مشخص از هم باز شناخته شد . کف سلجوقی با آجر فرش بسیار هنرمندانه و محراب نماها و تزئینات گچی عظمت مسجد عصر سلجوقی را مشخص میسازند . کف صفوی که بفاصله نیم متر بالاتر از کف سلجوقی قرار گرفته هم عصر با تزئینات و کتیبه های گچبری است که شبستان زیر گنبد را آرایش میدهند و تاریخ ۹۲۱ هجری دارند و نمونه های ارزنده ای از سبک صفوی (مکتب اردبیل) بحساب میآیند . کف قاجاری که کف مسجد فعلی است یک باز سازی بسیار غیرفنی و سرسری است که در شبستان زیر گنبد با از بین بردن گچبری های از اره و نصب کاشیهای بد رنگ شش گوش (نوع منحنی کاشیکاری عصر قاجار) خودنمایی میکند . طاقهای مدخل رواقها نیز در دوره های مختلف اندود شده و کم کم از طاقهای هلالی بسیار زیبا بصورت طاقهای جناقی بی توازن تغییر شکل داده اند .

ضمن کاوش در کنار پایه ها و حرز ها نمونه هایی از خشت های بزرگ (شبیه خشت های ساسانی) نمودار گردید که عموم جرزها با این نوع خشت بنا گردیده و بعدها با پوشش آجری پوشانده شده اند . مطالعه درباره اساس جرزها که بار طاقهای هلالی شبیه طاقهای ساسانی را بر دوش دارند ، باز گوی قدمت و اصالت مسجدی است که نمونه های ارزنده ای از شیوه معماری قدیمترین دوره های اسلامی تا قرون اخیر را با خود دارد . زیباترین بخش مسجد اطاق هشت ضلعی بخش جنوب غربی است که تزئینات و طاقچه بندیهای صفوی آن در حد خود شاهکار است بی مانند . این بخش هیچ تقارن و تناسبی با دیگر بخشهای مسجد ندارد و چیز ست منحصر بفرد و مختص بخود که در پلان کلی مسجد بصورت زائده ای که بخش جنوب غربی را اشغال کرده خودنمایی میکند . آيا این اطاق تاریک که فقط روزه ای از طاق نور آنرا تامین میکند برای چه و بچه منظوری ساخته شده

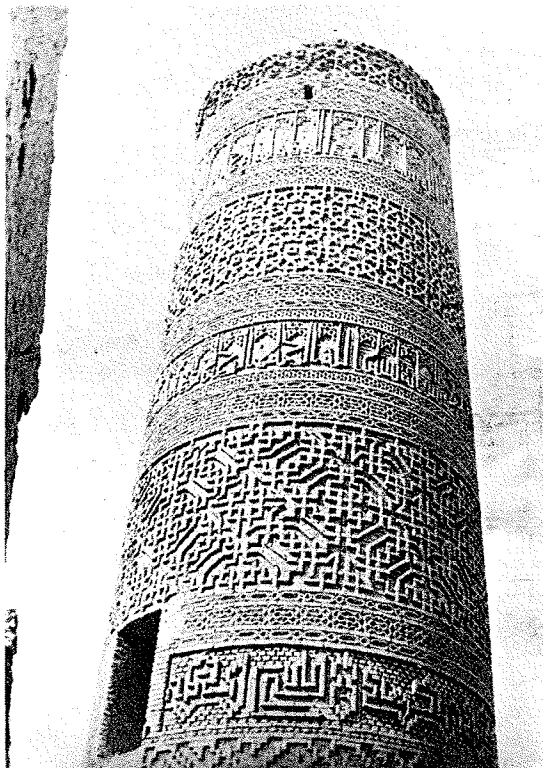
(۸) - این نکته کاملاً چشم گیر است که تاریخ احداث شبستان بزرگ زیر گنبد و ایوان جنوبی همزمان و در یک عصر انجام نگرفته است . هنوز نمیتوان نسبت به تقدم ایوان بر شبستان و بالعکس اظهار نظری نمود . ایوان جنوبی کاملاً در محور شبستان واقع نشده ولی معمار با ترفندی و چیره دستی یک نوع تقارن ظاهری مابین این دو عنصر ایجاد نموده است احتمالاً "ایوان جدیدتر از شبستان بنا گردیده و با حذف قسمتی از یک شبستان بزرگ به بنای ایوان جنوبی اقدام کرده اند .

است؟ آیا سنت مغولی که ایوان رفیع را در کنار قبر عارفی و بزرگی بنا میکرده اند بازگوی این مطلب است که در این اطاق بزرگی و صاحب مقامی دفن شده و سپس ایوان غربی بهمین مناسبت بنا گردیده؟ آیا این کنج تاریک که باز خود به دو اطاقک تاریکتر راه میبرد در دورهء اوج و رواج تصوف زاویه و خانقاهی بوده که صوفیان در آن به مراسم ذکر و سماع میپرداخته اند؟ و سپس در دورهء صفوی با احداث محراب گچبری در آن این بخش را برای امام جماعت دیگر با مریدانش از دیگر شبستانها مجزا کرده اند؟

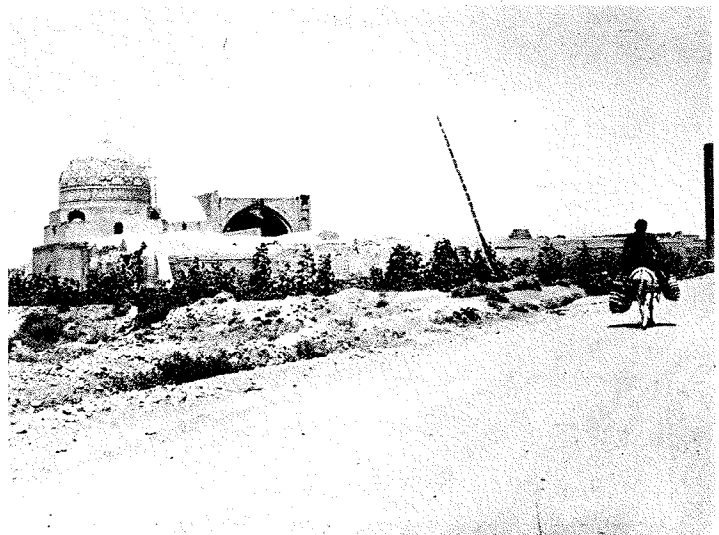
ما حاصل اینکه در اثر بازسازیها و مرمت های مکرر مسجد جامع ساوه بارها و بارها تغییر شکل داده و پلان آن دگرگون شده است. این دگرگونیها خود عاملی است تا پرسشهای بدون پاسخ را در مورد این بنامطرح سازد. گرچه کاوشهای یک فصلی ما پاسخگوی تمام پرسشها نبود اما بچند نکتهء اساسی دست یافت. مهمترین همه آنکه در حال حاضر میتوان به بازشناسی دوره های پیش از دوره سلجوقی امیدوارتر بود و حتی تصویری پیدا کرد که میتوان مسجد جامع ساوه را نیز چون برخی مساجد مشابه تغییر شکل یافتهی یک بنای ساسانی دانست، حال این بنا یک کاروانسرا بوده و یا یک چهارطاقی و عبادتگاه در هر حال مسجد جامع ساوه و مطالعه دربارهء آن اهمیتی همسان با مسجد جامع اصفهان و قزوین و مساجدی از این دست را دارد، و به تلاش و عرق ریزی و کار ممتد نیازمند است. چشم به روزی دوخته ایم که کاوشهای مجدد آن آغاز گردد.



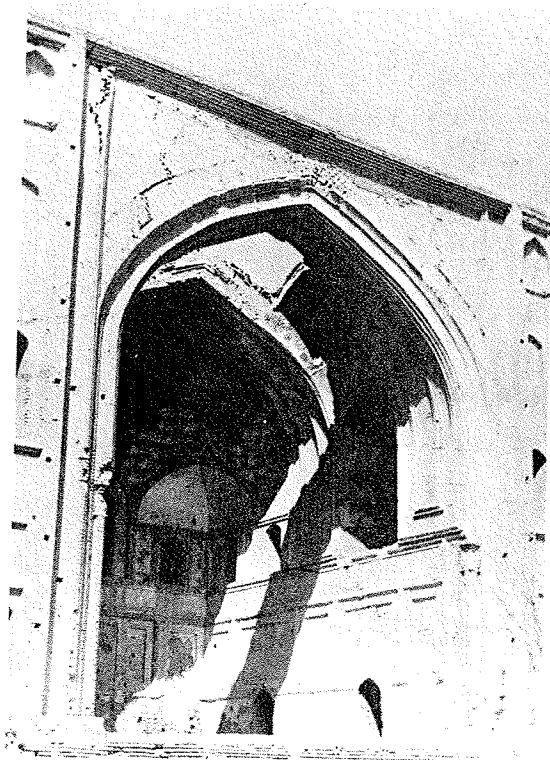
شکل ۱ - نمای مسجد جامع ساوه و مناره سلجوقی آن



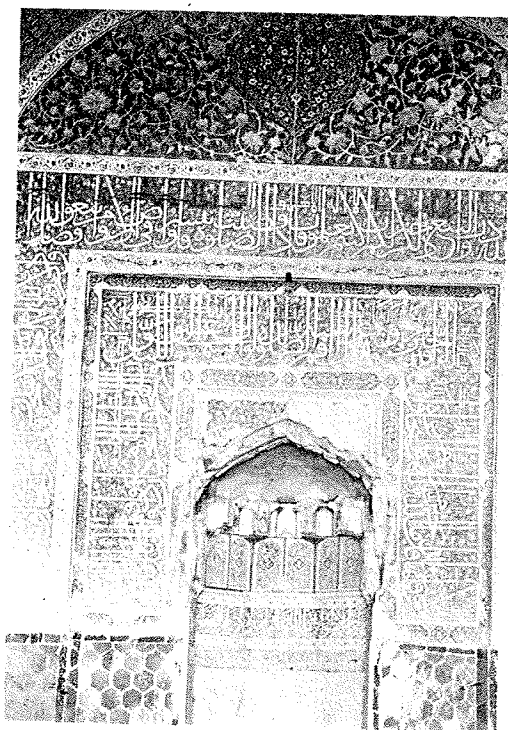
شکل ۳ - مناره سلجوقی مسجد جامع ساوه



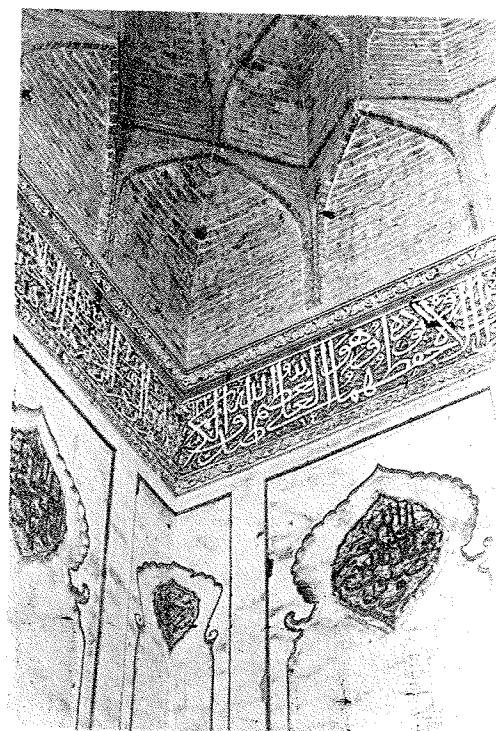
شکل ۲ - نمای دیگر از مسجد جامع ساوه و موقعیت ایوان غربی آن



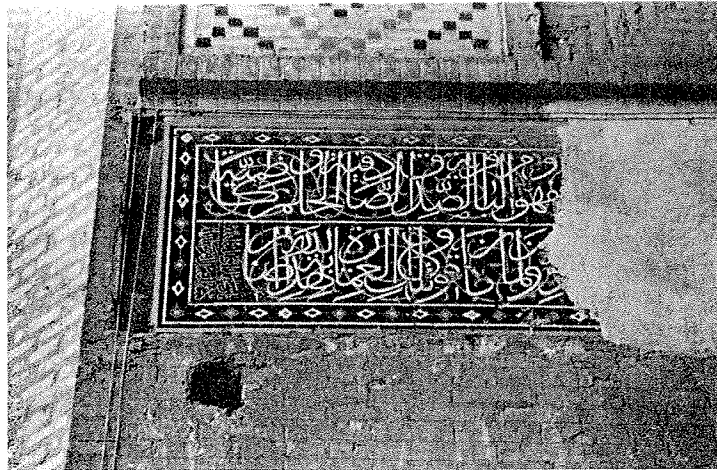
شکل ۴- ایوان مغولی (ایوان غربی) مسجد جامع ساوه



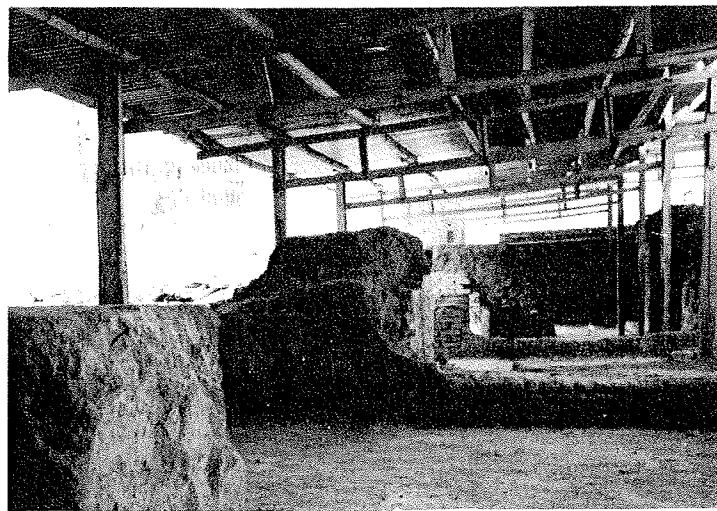
۶- محراب اصلی و کتیبه گچبری صفوی دور آن



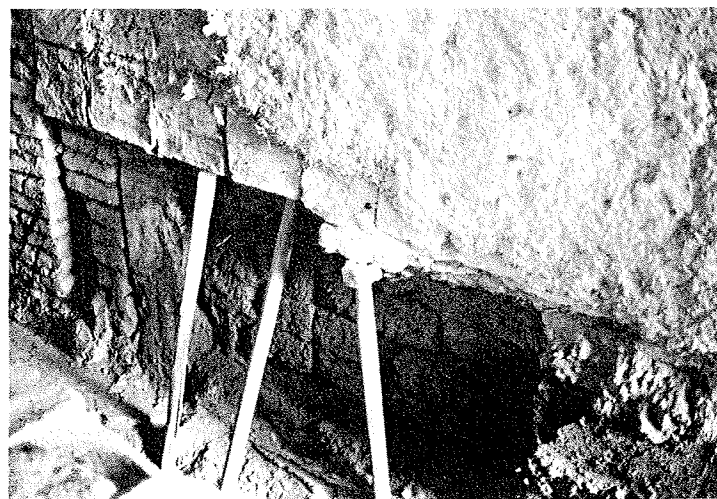
۵- کتیبه گچبری شبستان زیرگنبد مسجد جامع ساوه که تاریخ ۹۲۲ هجری را دارد



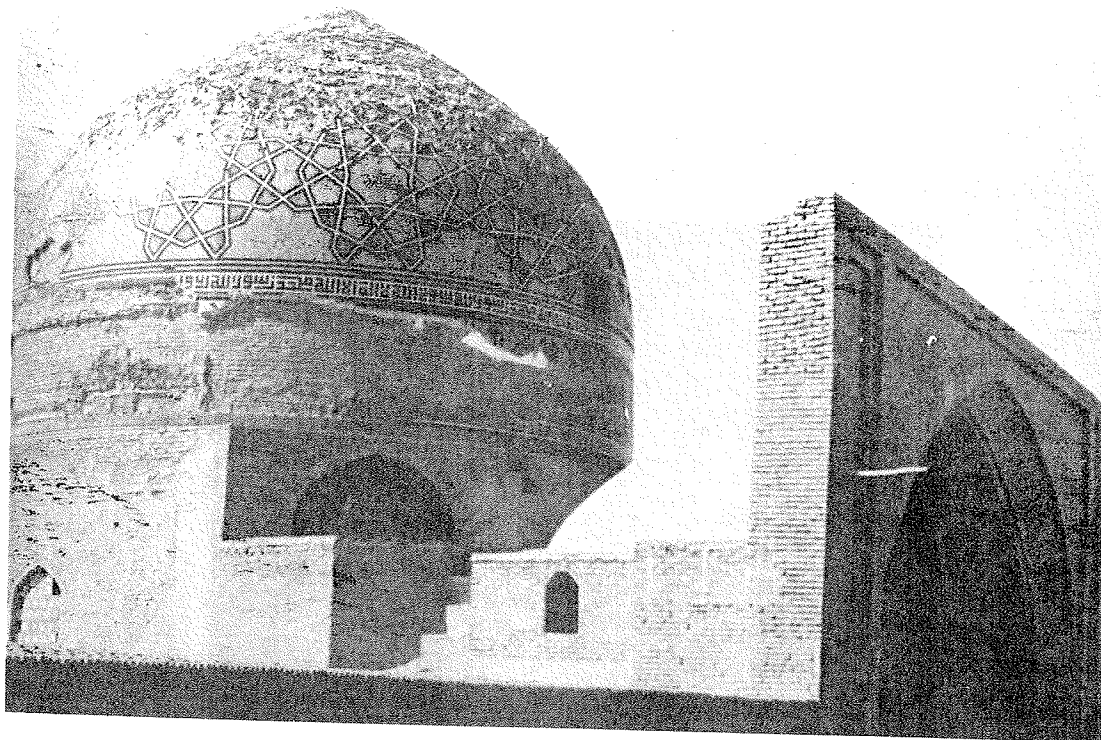
شکل ۸ - کتیبه آجری دوره صفوی درایوان جنوبی مسجدجامع ساوه



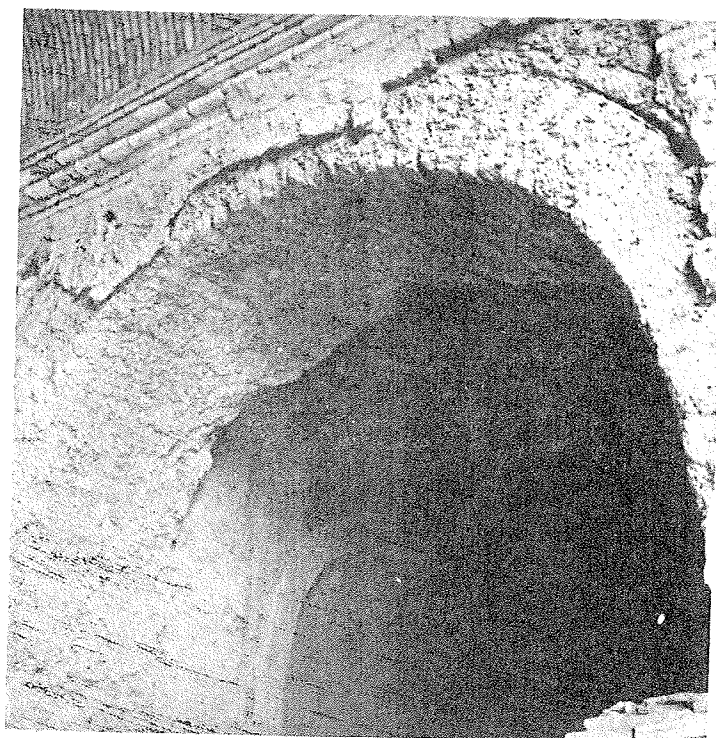
شکل ۹ - خاکبرداریهای جبهه شمالشرقی مسجدجامع ساوه



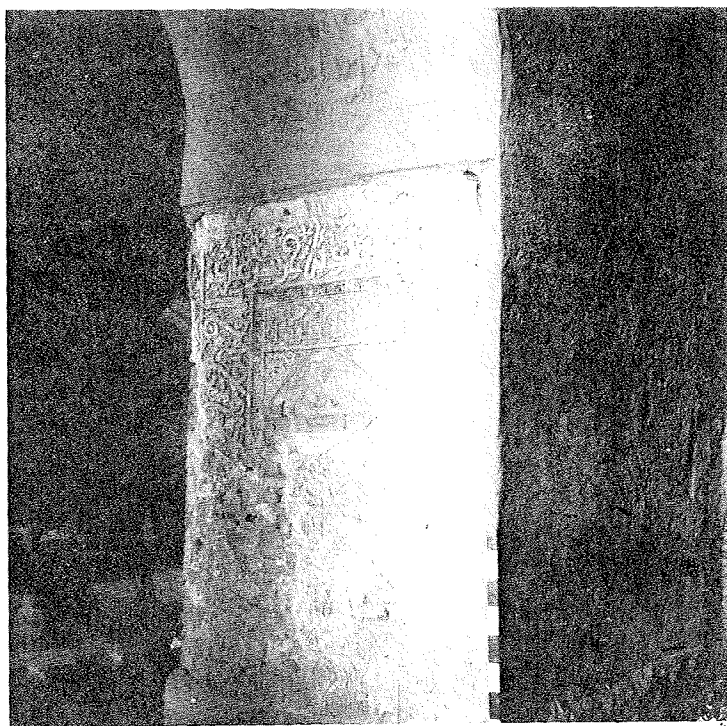
شکل ۱۰ - خشت های قطور داخل جرزه های رواقهای جنوبی



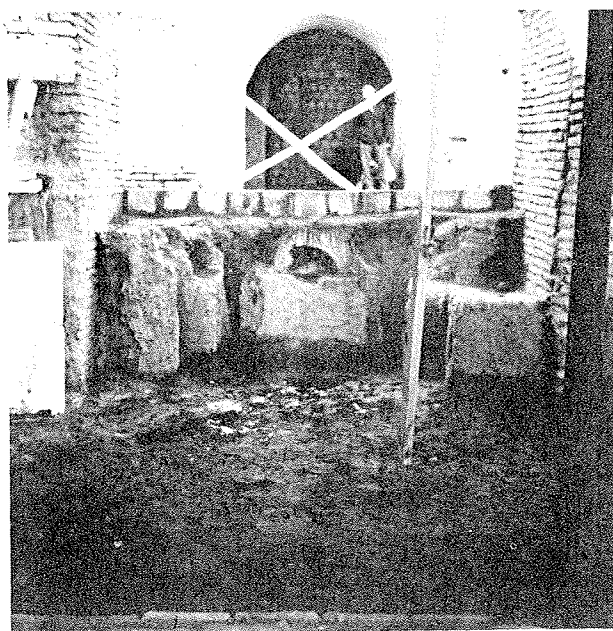
ایوان جنوبی و گنبد صفوی مسجد جامع ساوه



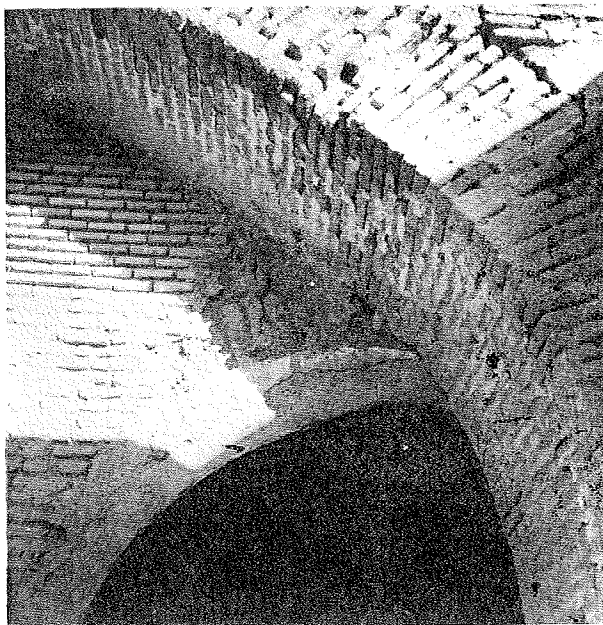
شکل ۱۱ - یکی از طاق‌های خشتی هلالی رواق‌های جنوبی که
القاء طاق‌های ساسانی را میکند



شکل ۱۲ - کتیبه محراب نمای سلجوقی دربخش جنوبی مسجد



شکل ۱۴ - کف سلجوقی و محراب سلجوقی در رواقهای شرقی



شکل ۱۳ - دو دوره مشخص از دگرگونیها

